

کودکان؛ قربانی هیولای ماهواره ای



جمع خانواده جمع است؛ کوچک و بزرگ، خرد و کلان. همه پای تلویزیون نشسته‌اند و نگاه‌ها به صفحه‌ای خیره شده که شخصیت‌های ترک در آن ظاهر می‌شوند، سریال‌های ترکیه‌ای، کلمبیایی و کره‌ای صفحه نقره‌ای را قبضه کرده‌اند و 7 غروب تا 12 شب را یکسره در کنترت دارند.

تصویر اول: جمع خانواده جمع است؛ کوچک و بزرگ، خرد و کلان. همه پای تلویزیون نشسته‌اند و نگاه‌ها به صفحه‌ای خیره شده که شخصیت‌های ترک در آن ظاهر می‌شوند، سریال‌های ترکیه‌ای، کلمبیایی و کره‌ای صفحه نقره‌ای را قبضه کرده‌اند و 7 غروب تا 12 شب را یکسره در کنترت دارند.

دور خرم سلطان است با شخصیت‌های عجیب و غریب. سریال امشب به نقطه حساسی رسیده است. سوژه‌اش هم حساس و جذاب است؛ عشق یک زن میانسال به داماد جوانش!! قبیح در قبیح، کریه در کریه؛ غیرقابل هضم با هر فرهنگ و نحله فکری و اعتقادی. چند روز بعد اما پسر شش ساله خانواده از پدرش یک سوال کوتاه می‌پرسد با این مضمون که بابا، ماما بزرگ هم عاشق توست؟! چهره درمانده پدر، نگاه پرسشگر کودک و لب گزیدن مادر.

تصویر دوم: نگاه‌ها خیره شده به صفحه تلویزیون. پدر دختر کوچکش را بر روی پا نشانده است و تخمه می‌شکند. فیلم به جای خیلی حساسش رسیده است. روح پلیدی که کالبد دختر جوان را تسخیر کرده با تمهیدات جن‌گیر دارد بیرون می‌آید. صدای وحشتناکی از گلوئی دختر جوان بیرون می‌آید. گوشه دهانش به کف نشسته و سیاهی چشمانش رفته است. دختر کوچک محکم خودش را به پدر می‌چسباند. مرد برای لحظه‌ای از حس فیلم دیدن بیرون می‌آید و با خنده به دختر می‌گوید که این فقط یک فیلم است و ترس ندارد. دختر کوچک اما قبل از خواب به دستشویی نمی‌رود. شب هم باران می‌آید البته فقط در رختخواب او.

تصویر سوم: قهرمان خوش‌تیپ فیلم بلند می‌شود، دو دور در هوا می‌چرخد و پایین می‌آید و با لگد می‌گذارد تخت سینه بدمن. او هم چند متر به عقب پرتاب می‌شود، اما زود بلند شده و یک کله می‌زند وسط صورت قهرمان. حالا هر دو حسابی درگیر شده‌اند، بدون آن‌که خونی از دماغ‌شان بریزد. درست مثل مسابقات کشتی کج که کشتی‌گیرانش حسابی همدیگر را می‌تکانند و مشت و مال می‌دهند، اما کسی آخ هم نمی‌گوید، طوری‌اش هم نمی‌شود. پسر ده ساله خانواده در کنار پدرش با هیجان فیلم را می‌بیند. گهگاه در همان حالت نشسته حرکات قهرمان فیلم را تقلید می‌کند و صدای عجیب و غریب از خودش درمی‌آورد. او عاشق به قول خودش فیلم‌های بزن بزن است و کشتی کج و کیک‌بوکسینگ البته. چند روز بعد از مدرسه پدر را می‌خواهند. پسرش سر نوبت دستشویی رفتن با یکی از همکلاسی‌هایش درگیر شده و تا رقیب به خود بجنبد، به هوا پریده و دو دور چرخیده و با لگد آمده وسط سینه‌اش. به تعبیر خودش آن بچه پررو را ترکانده است. حالا همان بچه پررو در بیمارستان بستری است و پدر و پسر هر دو گرفتار.

کودکان بی‌ثبات در هویت و حساسیت‌زدایی منظم

مصادق گل بود به سبزه نیز آراسته شد، حکایت پای ماهواره نشستن خانواده‌ها به همراه کودکان‌شان است. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که پاره‌ای از برنامه‌های پخش شده از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند و شاید حاوی نکاتی مثبت و آموزنده برای بزرگسالان باشد، تماشای همین برنامه‌ها برای کودکان مضر و زیانبار است. هر برنامه مخاطبان خاص خودش را دارد و برای یک طیف سنی مشخص ساخته و پرداخته شده است. شاید آدم بزرگ‌ها با این تصور که هر فیلم و سریالی بر روی آنها تاثیر نمی‌گذارد و فکر و ذهن‌شان را مشغول نمی‌کند، به تماشای این آثار نمایشی بنشینند، اما این قاعده شامل کودکان و نوجوانان هم می‌شود؟!

به اعتقاد **حجت‌الاسلام محمدرضا سالاری‌فر**، روان‌شناس، اعضای هر خانواده‌ای یکسری از مراحل تحول را طی کرده‌اند و هویت‌شان تا حدودی تثبیت شده و در این زمینه مشکل اساسی ندارند و دلیل اصلی‌شان برای دیدن فیلم و سریال‌های نمایشی ماهواره‌ای هم همین است، اما کودکان‌شان این مراحل را نپیموده و ثبات هویتی ندارند و همین برنامه‌ها خود به خود ابزار و بهانه یادگیری و الگوبرداری‌شان می‌شود.

حجت‌الاسلام سالاری‌فر البته افراد بزرگسال یک خانواده را نیز از تبعات سوء چنین برنامه‌هایی مصون و محفوظ نمی‌داند و به جام‌جم می‌گوید: قطعاً بزرگسالان هم تاثیر خواهند گرفت، اما این تاثیرپذیری در مقایسه با کودکان از غلظت و شدت کمتری برخوردار است. تاثیرات ظریف و تدریجی یک رسانه علاوه بر کودکان شامل بزرگسالان هم می‌شود. این فرآیند در علم روان‌شناسی به حساسیت‌زدایی منظم تعبیر می‌شود. در این کنش، حساسیت‌های فرد نسبت به موضوعات غیراخلاقی بتدریج کاهش پیدا می‌کند بدون آن‌که خودش متوجه باشد. گاهی مخاطبی که تحت این یادگیری نهفته قرار گرفته، زمانی به خودش می‌آید و به وخامت اوضاع پی می‌برد که دیگر بازگشت به گذشته حتی برای خودش هم سخت شده است.

فوران اطلاعاتی غیرقابل هضم

داده‌های هر رسانه متناسب با سن و سال مخاطبانش است، اما متأسفانه در کشور ما به این مهم توجه چندانی نمی‌شود و تفکیکی میان بینندگان یک برنامه صورت نمی‌گیرد و تماشای یک اثر نمایشی یک کنش همگانی، عمومی و دسته‌جمعی است.

معمولا خانواده‌ها به همراه کودکان‌شان به تماشای برنامه‌هایی می‌نشینند که اصلا مناسب آنها نیست. حجت‌الاسلام سالاری‌فر در مقام یک دکتر روان‌شناس معتقد است: با وجود آن‌که در کشورهای پیشرفته آثار تلویزیونی از منظر سنی برای مخاطبان دسته‌بندی شده و بیننده متناسب با سن و سالش از آن استفاده می‌کند، اما در ایران هیچ تعریفی برای برنامه‌ها از جهت مناسب بودن برای سنین مختلف صورت نمی‌گیرد.

مظفری: یک تربیت رسانه‌ای بر جامعه حاکم شده است و والدین مسئولیت‌شان را در زمینه تربیت فرزندان به گردن رسانه می‌اندازند و به نوعی از سر خود باز می‌کنند. پدر و مادرها خسته هستند و ارتباط میان فردی در سطح جامعه کم شده است

مشکل اینجاست که کودکان ما برنامه‌های مناسب خودشان را نمی‌بینند. حتی ممکن است یک برنامه برای بزرگسالان مفید و آموزنده، اما برای کودکان دارای بدآموزی‌های مخرب باشد. کودکان از این برنامه‌ها بسیاری از اطلاعاتی را که نباید می‌شنوند، می‌بینند و دریافت می‌کنند و بالطبع دچار یک فوران اطلاعاتی می‌شوند که قدرت تحلیل و هضم آن را ندارند. این دریافت اطلاعات حجیم غیرضروری باعث نوعی سرخوردگی در کودک شده و حتی ممکن است سبب وارد آمدن ضربه عاطفی به او شود. کودک دچار تعارض‌هایی در سنجش و جمع‌بندی این اطلاعات شده و از این بابت دچار خسران می‌شود.

تعارض و دوگانگی

این عضو هیات علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه می‌افزاید: کودکی که طبق الگوها و آموزه‌های غلط ارائه شده در شبکه‌های ماهواره‌ای رشد می‌کند، زمانی که قدم در جامعه می‌گذارد هنجارها و کنش‌های حاکم را در تضاد با آموزه‌هایش می‌بیند و دچار یک دوگانگی و تعارض می‌شود. طبیعتا انسان در کودکی بهتر می‌تواند خود را با هنجارهای اجتماعی وفق دهد. با بالا رفتن سن کودک تربیت او هم مشکل می‌شود. همین پدر و مادرانی که امروز براحتی با کودکان‌شان به تماشای هر نوع اثر نمایشی می‌نشینند، در نوجوانی و جوانی او پی به تفاوت‌ها و تعارض‌ها خواهند برد. آنجاست که می‌خواهد شروع به کار تربیتی کنند که دیگر دیر شده است. این آموزه‌های اشتباه طی چند سال به صورت مستمر و غیرمستقیم در کودک نهادینه شده و براحتی از او منفک نمی‌شود.

سپردن تربیت کودکان به رسانه‌ها

فارغ از تبعات سوءتربیتی و رفتاری تماشای ماهواره بر خانواده‌ها و کودکان‌شان، می‌توان از این منظر نیز به موضوع پرداخت که چه عواملی سبب می‌شود که بزرگسالان یک خانواده از حساسیت‌ها غافل شده و به صورت توامان و به همراه کودکان به تماشای برنامه‌های غالباً مضر شبکه‌های مختلف و متعدد بنشینند. چرا فرهنگ برنامه‌گزینی به تناسب حال و سن و سال افراد در خانواده‌های ایرانی حاکم نیست و تماشای تلویزیون یک کنش همگانی شده است. از سوی دیگر، برخی از مادران ایرانی هر روز از صبح تا شب فرزندان خود را مقابل تلویزیون می‌نشانند و در حالت خوشبینانه به شبکه‌های کودک‌محور ماهواره می‌سپارند.

به نظر دکتر **افسانه مظفری**، استاد ارتباطات، تربیت رسانه‌ای بر جامعه حاکم شده و والدین مسئولیت‌شان را در زمینه تربیت فرزندان به عهده رسانه‌های مختلف گذاشته‌اند و به نوعی این وظیفه را از سر خود باز می‌کنند. پدر و مادرها خسته هستند و ارتباط میان فردی در سطح جامعه کم شده است. از همین رو می‌خواهند وظیفه سرگرمی و آموزش کودکان خود را به رسانه‌ها بسپارند. زمانی که پدر و مادر احساس کنند که رسانه می‌تواند مربی خوبی برای کودکان‌شان باشد و از همین رو، فرزند کم‌سن و سال خود که هنوز توان تشخیص خوب و بد را ندارد در پای برنامه‌های ماهواره می‌نشانند، باید این انتظار را هم داشته باشند که تاثیر سوء این برنامه‌ها بتدریج در کودکان‌شان مشاهده شود.

خطر امپریالیسم فرهنگی کاملاً جدی است

به نظر می‌رسد شبکه‌های ماهواره‌ای رقیبی شده‌اند برای والدین ایرانی در امر تربیت فرزندان‌شان؛ رقابتی که البته از سوی این والدین با استقبال مواجه شده، نه برای کشمکش و زورآزمایی، که برای سپردن یکسره قافیه و بازی به این شبکه‌ها و خیال خود را آسوده ساختن.

دکتر مظفری در این باره تصریح می‌کند: هدف ابتدایی شبکه‌های ماهواره‌ای برقراری ارتباط جهانی میان مردم دنیا بود، اما پس از مدتی احساس کردند که می‌توانند وسیله و ابزار خوبی باشند برای تحت تاثیر قرار دادن مردم جوامع دیگر. این رسانه‌ها می‌خواهند نگرش و دیدگاه‌های جوامع مختلف یکسان شود، البته از زاویه نگاه دلخواه‌شان. این روزها بسیاری از رسانه‌ها ابزاری هستند در دست طبقه حاکم تا بر عموم مردم تسلط پیدا کنند. عضو هیات علمی واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد با تاکید بر این‌که امپریالیسم و سلطه فرهنگی یک بحث کاملاً جدی در دنیای امروز است، اظهار می‌دارد: با رسانه‌ها تنها می‌توان در جوامع نفوذ داشت که حتی ارزش‌ها، هنجارها و حتی سبک زندگی دلخواه را تحمیل کرد. وسایل ارتباط جمعی بهترین ابزار برای این هدف هستند.

از بین رفتن مرزبندی‌ها در خانواده

افراد یک خانواده زنجیروار به هم متصل هستند و از هم تاثیر می‌گیرند. کودک که آسیب می‌بیند خانواده دچار خسران می‌شود، عکسش هم صادق است. حجت‌الاسلام سالاری‌فر در این باره تاکید می‌کند: کودک که دچار تعارض شود خانواده هم انسجام و مرزبندی درونی‌اش را از دست می‌دهد. زمانی که افراد خانواده راحت و بی‌خیال به همراه کودک خود هر فیلم و سریالی را تماشا می‌کنند، این مرزبندی از بین می‌رود و کودک به خود اجازه می‌دهد در هر موضوعی از جمله مسائل مربوط به والدین هم ورود کرده و اظهارنظر کند. همین ورود نابجا مشکلات را تشدید کرده و یک نوع به هم ریختگی در مرزهای درونی خانواده را باعث می‌شود.

آموزش رسانه‌ای کودکان

در چند سال اخیر شبکه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان به صورت قارچ‌گونه از ماهواره سر برآورده‌اند. هدف از تاسیس این شبکه‌ها به طور قطع منافع مالی نمی‌تواند باشد، چرا که عموماً چندان در جذب آگهی‌های تجاری موفق نیستند و اصولاً زمینه کار و فعالیت در این زمینه وجود ندارد. دکتر افسانه مظفری هدف از راه‌اندازی این شبکه‌های کودک محور را تاثیرگذاری بلندمدت بر نگاه و روحیه کودکان ایرانی می‌داند و تاکید می‌کند: کودکان مستعد یادگیری هستند و براحتی می‌توان با آموزش‌های بلندمدت آنها را دچار تغییر و تحولات روحی و اخلاقی کرد. اتفاقاً شبکه‌های کودک ماهواره تاثیرگذارترین، راحت‌ترین و کم‌هزینه راه برای نیل به این هدف هستند. یک برنامه‌ریزی بلندمدت و حساب‌شده صورت گرفته است برای به سیطره درآوردن فرهنگی کودکان ایرانی. این استاد ارتباطات ناآگاهی بسیاری از خانواده‌ها را عامل نفوذ این شبکه‌ها در خانواده‌های ایرانی ذکر می‌کند و تصریح می‌کند: به نظر می‌رسد بسیاری از والدین با وجود داشتن سواد دانشگاهی، اما متوجه خطر شبکه‌های ماهواره‌ای برای کودکان‌شان نیستند و در این زمینه باید آموزش‌هایی به آنها ارائه شود که سازمان صدا و سیما می‌تواند نقش مهم و منحصر به فردی را در این رابطه ایفا کند. باید در مسائل فرهنگی ابتدا یک آموزش رسانه‌ای داشته باشیم. نباید از کنار این مسائل به آسانی گذشت.

محسن محمدی

رادیو و تلویزیون